

# خلفاء بعد از پیغمبر

بسم: آقای حاج میرزا ابوالحسن قاسمی (آیت الله زاده)

## بحث تاریخی

(۴۰)

### مخالفت عثمان با رسول خدا

یکی از کارهای عثمان باز گرداندن حکم بن ابی العاص، تبعید شده از طرف رسول خدا و فرزند او مروان بمدینه است

حکم بن العاص چه در مکه و چه در مدینه، آزار بسیاری بر رسول خدا وارد آورده بود. در مکه همسایه پیغمبر بود و او را اذیت میکرد چون بمدینه آمد سایه وار بدنبال پیغمبر راه میرفت و تقلید حرکات رسول خدا مینمود. رسول اکرم فرمود در شهر بکه من هستم حکم بن العاص نباید باشد و ویرا به طائف تبعید نمود و هر چه عثمان در خدمت رسول خدا از وی شفاعت نمود پیغمبر نپذیرفت.

عثمان پس از رسول خدا از ابی بکر تقاضا کرد که اجازه دهد بر عاص بمدینه باز گردد ولی ابی بکر قبول نکرد و پس از آنکه عمر بخلافت رسید از او تقاضای بازگشت حکم بن العاص را نمود ولی عمر نه تنها موافقت نکرد بلکه عثمان را توبیخ نمود و گفت چه اصرار داری که تبعیدی رسول خدا را بمدینه باز گردانی؟ چون خلافت بعثمان رسید حکم بن العاص را با فرزندش مروان بمدینه وارد نمود و او را گرامی داشت و مروان را منشی مخصوص خود نمود مالیات افریقا را به حکم بن العاص و فدک را بمروان اختصاص داد.

مردی از اهل مدینه میگویی هنگامیکه حکم بن العاص وارد مدینه میشد او را دیدم با لباسی ژنده در حالتیکه چند بز در جلو انداخته بود بطرف منزل عثمان میرفت و مردم باو نظاره میکردند. ساعتی نگذشت که با لباسی فاخر و جبهه از خانه عثمان بیرون آمد

حضرت علی، زبیر، طلحه، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف و عمار یاسر بعنوان اعتراض بنزد عثمان رفتند و گفتند چرا حکم بن العاص را بمدینه آوردی؟ این عمل تو بدنی و آخرتت زیان خواهد رساند. عثمان گفت میدانید که اینان خوبشان منند و ثانیاً من از رسول خدا که برائت بخنان حکم بر او غضب کرده بود اجازه ورود ویرا گرفته بودم گفتند پس چرا ابی بکر و عمر او را باز نگرداندند گفت آنان از پیغمبر اجازه نداشتند

وثالثاً بدتر از این دو نفر هم در مدینه هست و بشما ضرری ندارد حضرت تعلق (ع) فرمود از این دو بدتر کسی در مدینه نیست .

عثمان علاوه بر بازگرداندن این دو نفر، عبدالله بن ابی سرح را هم به مدینه بازگرداند با آنکه عبدالله پس از اسلام آوردن مرتد گردید و رسول خدا خون او را مباح کرد ولی عثمان نه تنها او را به مدینه برگرداند بلکه حکومت مصر را نیز باو داد یکی دیگر از کارهای عثمان، تملک مراتع عمومی است که رسول خدا در اختیار عموم مردم قرار داده بود تا مواشی خود را بچرانند ولی عثمان آن اراضی را مخصوص مواشی خود کرد و غلامان خود را در اطراف مدینه و سایر بلاد بگماشت که از ورود چهار پایان مردم بمراتع مانع شوند و فقط مواشی عثمان، حکم ابن العاص و بنی امیه حق ورود داشته باشند

عثمان برخلاف کتاب خدا و سنت پیغمبر و طریقه شیخین، نماز را در سفر حج در منی تمام خواند با آنکه مسافر بود و بحکم آیه قرآن در سوره نساء. **وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا** (هر زمان که مسافرت نمودید باکی نیست بر شما که نماز را شکسته بخوانید) میبایست شکسته بخواند کما اینکه رسول خدا و ابی بکر و عمر نیز شکسته میخواندند ولی عثمان می گفت من چون خلیفه مسلمین هستم مالک همه اراضی میباشم و همه جا ملک من است بنا بر این برای آنکه اهالی مکه بتوانند نماز را با امام خود تمام بخوانند من نماز خود را تمام میخوانم . در کتاب جامع الاصول که یکی از کتب عامه است، عبدالرحمن بن یزید میگوید مادر منی با عثمان نماز را چهار رکعتی خواندیم چسبون خبر به عبدالله بن مسعود رسید گفت ما با رسول خدا و ابی بکر و عمر در منی نماز را دو رکعتی خوانده ایم»

این خبر را بخاری و مسلم در کتب خود از عبدالله بن عمر روایت کرده اند عثمان خواست حضرت علی را به نیابت خود در منی بامامت جماعت بگمارد بشرط آنکه حضرت علی نماز را تمام بخواند ولی آنحضرت بپذیرفت و فرمود اگر امامت جماعت را بعهده بگیرم مانند رسول خدا نماز را شکسته خواهم خواند صاحب صواعق محرقة برای آنکه عثمان را تبرئه کرده باشد (تو گوئی که دفاع از عثمان راهم جا بعهده گرفته است) میگوید بعضی از علما قصر را در سفر جائز میدانند نه واجب ولی چنانچه مشاهده فرمودید صاحبان صحاح در روایتهای خود قصر را واجب دانسته اند و اینک روایتی از طریق خاصه (شیعه) نقل می کنیم

در کتاب وسائل در باب اینکه قصر نماز در سفر واجب است نه جایز روایتی نقل می کند که صدوق علیه الرحمه باسناد خود از زرارة و محمد بن مسلم روایت می کند که این دو نفر میگویند از حضرت ابی جعفر (امام باقر علیه السلام) سؤال کردیم که چه میفرمائید در نماز سفر چه نخواست و چند رکعت است؟ حضرت فرمود خدا در کتاب خود میفرماید **وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ** و واجب این آیه واجب است در سفر ←

## پاسخ بسئالات

از رشت آقای محمد علی رضائی پرسیده اند :

آیا راست است که میگویند مرگ در دست خداست و تا خدا نخواست کسی نخواهد مرد؟ و در لحظه ای که باید بمیرد خواهد مرد؟ بنا بر این دکتر برای چیست؟

راه حق تحولی که برای موجودات زنده است مانند رشد و نمو، تغییر صورت و حالت و نظایر آنها، مرگ نامیده میشود و این تحولات نیز در هر موجودی تابع نظام خاصی است که از اختیار آن موجود خارج و مربوط بنظام آفرینش و خداست.

این مرگ معمولی نیز یکی از مظاهر آن تحول است زیرا ثابت شده که هیچ موجودی معدوم نخواهد شد بلکه تغییر صورت و حالت خواهد داد.

بنابر این مداوای بیماری و مراجعه بدکتر منافات با تائیمیت تحول جسم مر نظام آفرینش را ندارد مضافاً باینکه مراجعه بدکتر برای بازیافتن سلامتی است نه جلوگیری از مرگ : و آیا میتوان گفت که بطور قطع طبیب جلومرگ را خواهد گرفت طه؟ چنانچه توضیحات بیشتری میخواهید مراجعه فرمائید تا شفاهاً توضیح داده میشود.



مینویسند :

از تهران آقای محمد کاظم مرتجعی آموزگار

موضوع رجعت برای اینجانب مبهم است آنرا شرح و توضیح دهید.

راه حق اخبار رجعت را علمای حدیث مفصلاً ذکر کرده اند و در عین حال که بسیاری

از دانشمندان او را از ضروریات مذهب شمرده اند عده زیادی هم از علمای بزرگ و مراجع تقلید

آنرا از ضروریات نمیدانند و بر انکارش مفسده مهمی مترتب نمی کنند و چون اثبات رجعت

بعهد دلایل عقلی نیست و بیشتر هستکی بدلائل نقلی و در این سئوون نقل آن اخبار غیر مقدور

میباشد بنا بر این بکتاب مربوط مراجعه فرمائید.

رسال جامع علوم انسانی

که نماز شکسته خوانده شود یعنی دو رکعتی همچنانکه در غیر سفر (حضر) واجب است چهار

رکعتی خواندن . گویند ما عرض کردیم که خدا در قرآن بلفظ فلیس علیکم جناح... (باکی

نیست بر شما) فرمود نمرود افعلا (بجا آورید) بنا بر این چگونه واجب خواهد بود؟ حضرت

در جواب فرمود که آیا خدا در سعی مفاو مرده نمرود فهم حج البیت او اعتمر فلا جناح

علیه ان یطوف بهما (هر که حج یا عمره نمود باکی نیست بر او که طواف کند بین صفا و

مروه) آیا نمی بینید که طواف این دو واجب گردید؟ خدای تعالی در قرآن چنین فرمود و

رسول او هم بجای آورد همچنین نماز را در سفر رسول خدا دو رکعتی بجای آورد و بعد فرمود

که رسول خدا میفرماید : هر که در سفر نماز را چهار رکعتی بجای آورد من در نزد خدا از

او بیزار میباشم